

از : دکتر ابو تراب نفیسی

رئیس پیشین دانشکده پزشکی اصفهان

- ۱۸ -

### تاریخچه بیمارستان خورشید

با پیشرفت کار آموزشگاه عالی بهداری واستقبالی که از آن بعمل آمد با آنکه کلاسهای آموزشگاه از لحاظ مسائل تئوری کافی بود ولی آموزشگاهی که میخواهد طبیب تربیت کند نیاز به مرکزی علمی دارد که بتوان دانشجویان را با مریض و کارهای عملی آشنا ساخت ، بهمین جهت وزارت بهداری موافقت نمود بیمارستان خورشید که نزدیک بدبیرستان

سعدی و در اختیار اداره کل بهداری بود به آموزشگاه عالی بهداری واگذار گردد ، در نتیجه از سال ۱۳۲۶ آموزش بالینی دانشجویان آموزشگاه عالی بهداری به بیمارستان خورشید منتقل ولی کلاسها در همان بیمارستان سعدی وسالان تشریح نیرجنب دبیرستان سعدی قرار داشت و این امر تا سال ۱۳۲۸ بهمین نحو پابرجا بود در بین سالهای ۱۲۹۶ - ۱۲۹۲ ابتدای جنگهای بین المللی اول ۱۹۱۸-۱۹۱۴ مرحوم حاجی آقا نورالله نجفی ( \* ) قطعه زمینی را که بنام باغ آلبالومی و وصل به کوچه « پشت مطبخ » بود خریداری و با کمک چند نفر از خیرین اصفهان با ساختن چند اتاق خشتی بنای اول شفاخانه خورشید در بیمارستان کحالی و مقاربتی و کحالی و زهروی را ریخت ، شیخ محمد تقی از ایوان کی به اصفهان آمد و پس از اندک مدتی در مسجد شاه شروع بدرس نمود و در همان پشت مسجد شاه نیز ساکن گردید که بعدها خانواده او بنام مسجد شاهی ها یا مسجدشاهی معروف شد و شیخ محمد باقر فرزند او نیز پس از پدر در مسجد شاه بتدریس پرداخت ، اولاد شیخ محمد باقر که به ترتیب عبارت بودند از :

\* این قسمت ها از روزنامه اخبار دانشگاه اصفهان اقتباس شده است .

- ۱ - شیخ محمدتقی معروف به آقا نجفی که در امامزاده احمد مدفون است .
- ۲ - شیخ محمدعلی ثقة الاسلام که در مسجد نیز نمازی گذاشت .
- ۳ - حاج آقا نورالله که از پیشوایان و زعمای مشروطیت در اصفهان بود و حضرات مصاص السلطنه و ضرغام السلطنه بدعوت او با اصفهان آمدند .

در سال ۱۳۲۴ قمری که اغلب و کلای مجلس شورایی و سرشناسان تهران عازم اصفهان شدند حاج آقا نورالله بود که به آنان کمک فراوان نمود در آذرماه ۱۳۰۶ شمسی بنا بدعوت او عده زیادی از علمای اصفهان و شیراز در قم اجتماع نمودند و در اصفهان و شیراز تعطیل عمومی اعلام شد تیمورتاش و حاج فخر السلطنه برای مذاکره با آقایان از تهران بقم آمدند لکن کار تمام نشد در همین بین حاج آقا نورالله مریض گشت و دکتر اعلم برای معالجه او بقم آمد ولی معالجات مؤثر نشد و حاج آقا نورالله در دیماه همانسال در قم درگذشت حاج آقا نورالله طبع شمری هم داشت و در اشعار خویش « نور » تخلص مینمود .

شاید وجه تسمیه این بیمارستان به خورشید از آن جهت باشد که در زمان پایتختی اصفهان یعنی دوران حکومت صفویه در حوالی « باغ آلبالو » که بعدا بیمارستان خورشید شد باغ یا عمارتی باین نام وجود داشته است و یا آنکه بمناسبت نام بانی او « حاجی آقا نورالله » خورشید نامیده شده است . در هر صورت بیمارستان خورشید در اختیار بهداری بود و خواه ناخواه رئیس بهداری وقت اداره امور بیمارستان را نیز بعهده داشت .

که از آنجمله میتوان نام دکتر سید احمدخان احتشام الحکماء و سید احمد خان پزشک را نامبرد و بالاخره در تاریخ دوازدهم بهمن ۱۳۰۹ دکتر مهدی فیلسوف به کفالت بیمارستان که جزو موقوفه مرحوم حاجی آقا نورالله بود و از محل درآمد موقوفات آن اداره می گشت به بلدیة ( شهرداری ) اصفهان منتقل گشت و در سال ۱۳۱۰ و در زمان ریاست میرزا حسین خان جلائی تقاضای ثبت آن بنام بلدیة اصفهان گشت و روی سنگ مرمری نیز بنام بلدیة اصفهان ثبت و در محل بیمارستان نصب گردید .

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۰ شمسی آقای سناتور مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات سفری با اصفهان نمود و جزه برناه ایشان بازدید از چهارمؤسسه شهرداری را قرارداد بودند که در روزنامه اطلاعات مورخ ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ در مورد بازدید خود از بیمارستان خورشید چنین می نویسد :

در این بازدید آقای رئیس صبحه اصفهان و رئیس صبحه قشون نیز برای مشاهده ساختمان جدید مریشخانه خورشید آمده بودند و آقای دکتر عیسی قلی خان و امیر نیرومند « طبیب و رئیس صبحی بلدی راهنمایی می کرد اما تا وقتی گفته نشده بود که بنای مریشخانه همین جا است باور نمی کردم ساختمان کوتاهی که مثل کاروانسرا دورتادور ساخته اند مریشخانه خورشید باشد زیرا هیچ شابهتی به بنای مریشخانه نداشت و حتی برای زندگی فامیلی هم تناسب نداشت عمارت مریشخانه یک طبقه و مرکب بود از طاق های کوچک در ردیف هم که از یک طرف درهای آن بصحن کاروانسرا باز میشد و درهای دیگر آن بیک دهلیز تاریکی در پشت بنا بازمی گردید اما نه برای خواباندن مریض خوب بود و نه برای سایر احتیاجات یک مریشخانه ، من تعجب می کنم با این سلیقه های زیادی که تا کنون برای ساختمان پیدا

شده و عمارت‌های قشنگ دوطبقه معمول گردیده است چطور اینقدر بی‌علاقه گی و بی سلیقه گی نسبت بساختمان و مریض‌خانه خورشید بکاررفته و بهتر بود این بنا پس از خاتمه بمؤسسات دیگر بلدی تخصیص داده میشد مثل دزالمجانین و دارالرضاعه و بیمارستان را مطابق اسلوب امروزه ساختند .

از تاریخ ۱۳۱۰/۹/۲۶ تا تیرماه ۱۳۱۰ آقای دکتر عیسی قلی بموجب ابلاغی که از طرف حاکم اصفهان (استاندار) فتح‌الله جلائی صادره بگردید بسمت مدیر بیمارستان خورشید تعیین میشود .

دروانه اطلاعات در تاریخ ۴ مرداد ۱۳۱۱ در مورد بیمارستان خورشید می نویسد « مریضخانه خورشید در اراضی که از طرف حاج آقا نورالله واگذار شده بود ساختمان شد و ضمناً قریه خولنجان واقع در بلوک لنجان را تخصیص به خارج ساختمان این مریضخانه دادند چون عایدات مزبور تکافو نمی کرد و هشتصد تومان هم منال دیوان داشت بر اثر مذاکرات وزارت داخله با وزارت مالیه منال مذکور هم تخصیص بساختمان مریضخانه خورشید داده شده ضمناً با اقدامات حکومت اصفهان مبلغی هم اعانه جمع آوری گردید که جمعاً بالغ بر ۴۷۸۰۰ ریال گردید علاوه بر این مبلغی هم اضافه شد که قرض بلدی به اصفهان میباشد و بدین ترتیب ساختمان مریضخانه خورشید تکمیل گردید فعلاً مریضخانه دارای ۲۰ تخت خواب با لوازم است و انتظار طبیب و جراح دارند که از طرف وزارت داخله وصحبه کل مملکتی باید اقدام شود. و بعداً دکتر سید حسن خان میرعلائی طبق حکم زیر بریاست بیمارستان منصوب شد : آقای دکتر میرعلائی .

چون بیمارستان کجالی و امراض مقاربتی اصفهان توأم گردیده و از اجتماع آنها مریضخانه واحدی بنام شفاخانه خورشید تشکیل یافته و برای سرپرستی و حسن انتظامات آن انتخاب بکنفره مسئول ایجاد گردیده معیناً علاوه بر تصدی شغل چشم پزشکی بیمارستان کجالی که از اول سال جاری شمه دار هستید از این تاریخ ریاست شفاخانه هم به شما محول میشود . . . »

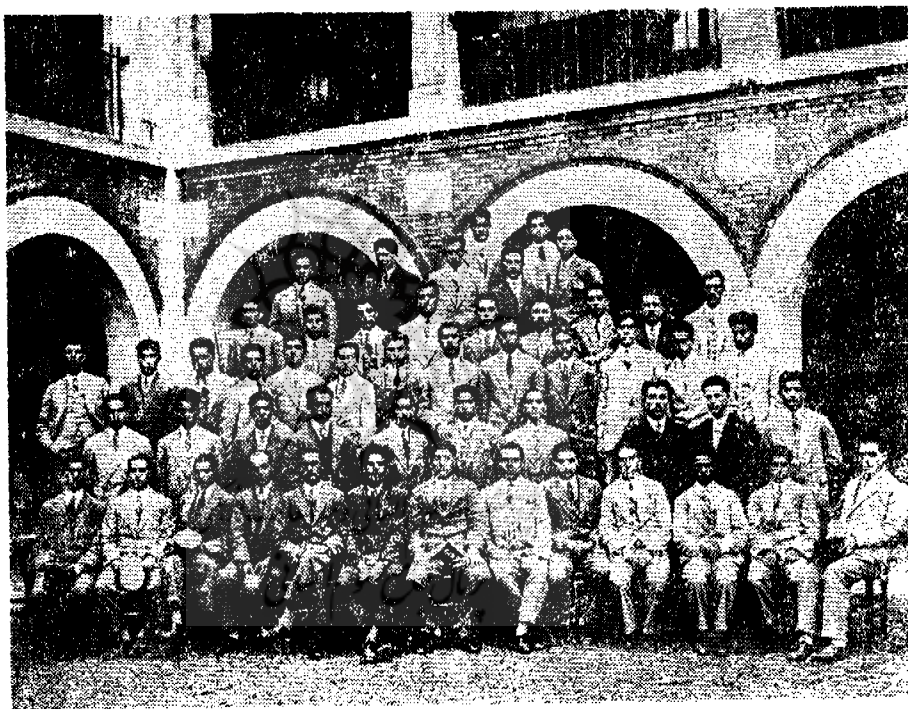
ریاست دکتر میرعلائی نیز بیش از دو سال بطول نیاچامید و در سال ۱۳۱۸ بعلت بیماری تیفوس در گذشت در مدت ۷ سال از ۱۸ تا ۱۳۲۵ بترتیب آقایان دکتر عماد حکمت دکتر آذرنوش ، دکتر حسین قلی اوژند و دکتر مسیح جلوه هر کدام چند سالی علاوه بر ریاست ویا کفالت بهداری، ریاست بیمارستان خورشید را بعهده داشتند .

و پس از آنها آقای دکتر مرتضی حکمی که رئیس آموزشگاه بهداری نیز بود. قبل از آنکه خیابان استانداری احداث گردد در ورودی بیمارستان خورشید مقابل در ورودی دبیرستان ادب سابق ( اداره کل آموزش و پرورش ) فعلی بود در ۲۵ تیرماه ۱۳۲۶ که این بیمارستان به آموزشگاه عالی بهداری تحویل گردید ساختمان آن عبارت بود از چند اتاق خشت و گلی در شمال و مغرب بیمارستان که بهیچوجه تکافوی احتیاجات آموزشی و درمانی را نمی نمود .

یکسال بعد بر اثر فعالیت اولیای آموزشگاه بهداری دانشگاه تهران نقشه ساختمان بیمارستان خورشید را تهیه نمود و شرکت ایران سویس برنده مناقصه گردید اما از آنجا که

بودجه کافی در اختیار آموزشگاه نبود قرار شد که هر چه وزارت دارایی پول داد بهمان میزان شرکت ایران و سویس کار را ساخته و تحویل دهد در نتیجه کار بکندی پیشرفت نمود چون بودجه آن روز آموزشگاه بسیار ناچیز بود و نمیتوانست جوابگوی ساختمان بیمارستان باشد تا بالاخره در سال ۱۳۳۹ ساختمان بیمارستان شمال غربی بیمارستان با تمام رسید و در زمان ریاست دانشگاهی آقای دکتر نامدار رسماً افتتاح و بکار مشغول شد .

از این پس نیز قسمت‌های مختلف به ساختمان بیمارستان اضافه شد . و دائماً در حال تعمیر و تجدید بنا بود . تا بدین پایه رسیده است که قدیمترین قسمت آن ساختمان وسط بیمارستان است که از کمک مردم اصفهان ساخته شده و آخرین آن بنای جالبی است که جدیداً در ضلع شرقی بیمارستان بوجود آمده . با ضمیمه شدن خانه‌های اطراف فعلاً وسعت بیمارستان خورشید بسیار زیاد شده امید میرود یکی از مراکز طبیبی مجهز شهر اصفهان تبدیل گردد .



ردیف اول نشسته : رضوان ناظم مدرسه ، دکتر امیر نیرومند ، دکتر ریاحی ، دکتر میرحسینی ، دکتر بهرامی ، دکتر جابری انصاری ، دکتر حکمی ، دکتر نعمت‌اللهی ، دکتر میر دامادی ، دکتر اوژند ، دکتر نفیسی ، دکتر نواب ، دکتر انواری ، دکتر دانشگر ، دکتر جلوماس تید دانشگاه ، ردیف ۲ - نوریانی ، رشتی ، بدری ، مهماندوست ، طباطبائی - ۱ صدیقی ، مجدی ، شهیدزاده ، رضا واقعی ، برجیان ، کسائی ، شفیق‌زاده - ۲ - خسروی ، برومند ، ردیف ۳ - مستخدم ، مصباح ، رئیس‌زاده ، حسینی ، حکیمی ، شهیدزاده ، منافی ، رحیم‌پور زاهدی ، معماری ، نیری ، قانع - ۱ - لقمانی ، ردیف ۴ - مافی ، منتقد ، رحمت‌پور ، آزر - ۱ ، ۲ - شرافت ، رحیمی و رپشتی - ۱ - ناظمی ، پزشک‌زاد - ۱ - صبوح ، فاطمی خوراسکانی ،

ردیف ۵ - ۱ - مصصام ، مفید ، ۲ - احمدواقعی ، ۳ - ... - ۴ - ... - ۵ - ... - ۶ - ... - ۷ - ... - ۸ - ... - ۹ - ... - ۱۰ - ... - ۱۱ - ... - ۱۲ - ... - ۱۳ - ... - ۱۴ - ... - ۱۵ - ... - ۱۶ - ... - ۱۷ - ... - ۱۸ - ... - ۱۹ - ... - ۲۰ - ... - ۲۱ - ... - ۲۲ - ... - ۲۳ - ... - ۲۴ - ... - ۲۵ - ... - ۲۶ - ... - ۲۷ - ... - ۲۸ - ... - ۲۹ - ... - ۳۰ - ... - ۳۱ - ... - ۳۲ - ... - ۳۳ - ... - ۳۴ - ... - ۳۵ - ... - ۳۶ - ... - ۳۷ - ... - ۳۸ - ... - ۳۹ - ... - ۴۰ - ... - ۴۱ - ... - ۴۲ - ... - ۴۳ - ... - ۴۴ - ... - ۴۵ - ... - ۴۶ - ... - ۴۷ - ... - ۴۸ - ... - ۴۹ - ... - ۵۰ - ... - ۵۱ - ... - ۵۲ - ... - ۵۳ - ... - ۵۴ - ... - ۵۵ - ... - ۵۶ - ... - ۵۷ - ... - ۵۸ - ... - ۵۹ - ... - ۶۰ - ... - ۶۱ - ... - ۶۲ - ... - ۶۳ - ... - ۶۴ - ... - ۶۵ - ... - ۶۶ - ... - ۶۷ - ... - ۶۸ - ... - ۶۹ - ... - ۷۰ - ... - ۷۱ - ... - ۷۲ - ... - ۷۳ - ... - ۷۴ - ... - ۷۵ - ... - ۷۶ - ... - ۷۷ - ... - ۷۸ - ... - ۷۹ - ... - ۸۰ - ... - ۸۱ - ... - ۸۲ - ... - ۸۳ - ... - ۸۴ - ... - ۸۵ - ... - ۸۶ - ... - ۸۷ - ... - ۸۸ - ... - ۸۹ - ... - ۹۰ - ... - ۹۱ - ... - ۹۲ - ... - ۹۳ - ... - ۹۴ - ... - ۹۵ - ... - ۹۶ - ... - ۹۷ - ... - ۹۸ - ... - ۹۹ - ... - ۱۰۰ - ...